

بررسی تطبیقی نقش وفاداری در استحکام خانواده در تمدن یونان و اسلام

اعظم مؤذنی*

سید حسین رکن‌الدینی**

چکیده

برای مقایسه تمدن غرب و اسلام در خصوص «وفاداری و استحکام خانواده» و نشان دادن برتری مبانی اخلاقی اسلام، خانواده در تمدن یونان بررسی و وفاداری عامل اخلاقی استحکام یا تداوم خانواده تشخیص داده شد. این عامل، بسترساز استحکام خانواده در اسلام نیز بود؛ استحکام خانواده نتیجه حاکمیت اعتدال، اخلاق و حفظ حقوق اعضاست و اصل وفاداری، عمل براساس فضیلت وفا و رفتارهای برخاسته یا مستقل از آن است که باعث التزام کامل به پیمان ازدواج می‌شود. به‌رغم وفاق تمدن یونان و اسلام در زمینه تأثیر وفاداری در استحکام خانواده، نظام اخلاقی اسلام با تبیین خاص و به‌کارگیری آن در خانواده، تأثیری منحصر به فرد داشت. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری اطلاعات و روش توصیفی - تحلیلی، نقش وفاداری در استحکام خانواده در تمدن مذکور و اسلام را بیان و نتایج به‌دست‌آمده را با آیات قرآن ارزیابی کرده و دیدگاه اسلام در مورد نقش وفاداری در استحکام خانواده را بیان کرده است.

واژگان کلیدی

وفاداری، خانواده، استحکام خانواده، تمدن، تمدن یونان، اسلام.

moazeni056@gmail.com

hosseinr13@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱۳

*. دانشجوی دکتری اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

** استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه معارف اسلامی. (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۲۸

۱. طرح مسئله

خانواده که از حداقل دو انسان (زن و مرد) تشکیل می‌شود، حساس‌ترین و مهم‌ترین جزء اجتماع است و در هدایت و تأمین سعادت نوع بشر بسیار مؤثر است. البته خانواده زمانی می‌تواند به هدایت و سعادت بشر کمک کند که در قدم اول به استحکام دست یابد. استحکام خانواده نیازمند پشتوانه‌ای محکم است تا خانواده تا پایان زندگی مشترک به بهترین وجه ممکن به حیات خود ادامه داده و به اهداف خود برسد و از مسیر طبیعی خود خارج نگردد. به همین منظور در همه تمدن‌ها و جوامع، مقررات و نظام اخلاق در خانواده طراحی شده است؛ یکی از این اصول اخلاقی‌ای که در تمدن یونان و در اسلام زمینه استحکام خانواده می‌باشد، اصل وفاداری است. لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نقش وفاداری در استحکام خانواده در تمدن یونان و اسلام چیست؟

نقش وفاداری در استحکام خانواده در پژوهش‌های مختلف اسلامی تأیید شده است. نقیبه و زمانی (۱۳۹۰) در مقاله خود «نقش وفاداری در اعتمادآفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات» نقش وفاداری را در اعتمادآفرینی و پایداری ازدواج با عنایت به آیات و روایات بیان می‌کنند. حسینی (۱۳۸۳) در مقاله خود «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی» عوامل درون خانوادگی تحکیم خانواده را برشمرده است. صالح زاده (۱۳۹۲) در مقاله خود «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی» عوامل تحکیم خانواده را در فرهنگ اسلامی برمی‌شمارد. حسن زاده (۱۳۹۲) در مقاله خود «نقش عفت و حیا در رضایتمندی زن و شوهر» نقش عفت و حیا را در استحکام خانواده بیان می‌کنند. سلطان محمدی (۱۳۹۱) در مقاله خود «اصول و مبانی لازم در تحکیم بنیان خانواده با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی» عوامل درون خانوادگی و برون خانوادگی تحکیم خانواده را بیان می‌کند.

این مقاله درصدد تبیین این فرضیه است که به‌رغم تمامی تفاوت‌ها و حتی تعارض‌ها در ارائه معیار فضایل و طریقه کسب آن‌ها، وفاداری اصلی است که تمامی تمدن‌های دینی و غیردینی (از جمله تمدن یونان) و همچنین قرآن کریم (به‌عنوان منبع دست اول اسلام) ناگزیر به ضروری شمردن و توصیه آن در جهت استحکام خانواده شده‌اند. اگر چه تفاوت‌های جدی در تبیین لزوم وفاداری، معیار و چگونگی به‌کارگیری آن وجود دارد.

وفاداری همسران نقش اساسی در استحکام و تعالی خانواده دارد. به همین دلیل، طرح این موضوع و مقایسه آن بین تمدن یونان - که زمینه تمدن غرب است - با اسلام - که زمینه و مبنای تمدن اسلام است - در عرصه پژوهش‌های اخلاقی مناسب می‌نماید.

این تحقیق با هدف دستیابی به نقش وفاداری در استحکام خانواده در تمدن یونان و اسلام و نشان دادن برتری مبانی اخلاقی اسلام بر تمدن‌های غیر اسلامی، به بررسی وفاداری در تمدن یونان و ارزیابی آن با قرآن پرداخته تا ارزش تعالیم اخلاقی اسلام و نقش آنها در تعالی زندگی برای همه نسبت به تعالیم دیگر تمدن‌ها مشخص شود و بتوان نسخه‌های التیام‌بخش برای تثبیت وفاداری و جلوگیری از خیانت همسران و فروپاشی خانواده در معرض خانواده‌ها قرار داد تا سفره آرام‌بخش خانواده همچنان باز و گسترده بماند. روش غالب برای جمع‌آوری داده‌ها، روش کتابخانه‌ای و اسنادی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش‌برداری از کتب تاریخ تمدن به خصوص تاریخ تمدن ویل دورانت - که جامع‌ترین کتاب تمدنی در زمینه خانواده در تمدن‌هاست - و قرآن و کتب تفسیری است. نوع پردازش اطلاعات نیز توصیفی تحلیلی است.

روش بررسی تأثیر وفاداری بر استحکام خانواده به این ترتیب است: بیان مفهوم، معیار و مصادیق وفاداری در تمدن یونان و قرآن و ارزیابی مفهوم، معیار و مصادیق وفاداری در تمدن یونان با استفاده از آیات قرآن. ارزیابی در پژوهش حاضر از طریق مقایسه انجام می‌گیرد و نقاط اشتراک و افتراق آنها بیان می‌شود و در نهایت نقش وفاداری در استحکام خانواده در اسلام بیان می‌شود.

۲. تبیین مفاهیم کلیدی

مفاهیم کلیدی پژوهش مذکور عبارت‌اند از: وفاداری، خانواده، استحکام خانواده، تمدن، تمدن یونان. وفای به عهد یا وفاداری یکی از اصول اخلاقی است و از آنجاکه تعریف اخلاق بین فلاسفه اخلاق اسلامی و فلاسفه اخلاق غربی (که در تمدن یونان انعکاس یافته است) متفاوت است؛ پس ابتدا لازم است تعاریف مذکور بیان شود تا بتوان معنای موردنظر اصل وفاداری را بیان کرد. «اخلاق» واژه‌ای عربی و جمع مکسر خُلُق و خُلُق به معنای سرشت و طبیعت است (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۰۱) اعم از اینکه سرشت نیکو باشد یا سرشت زشت (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۹) در متون اصلی و منابع اولیه اسلامی، اخلاق را «هیئت‌هایی راسخ و پایدار در جان آدمی که او را به انجام‌دادن کارهایی بدون اندیشه و تأمل برمی‌انگیزاند» می‌دانند. (مسکویه، ۱۳۷۱: ۱۱۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۹؛ همو، ۱۴۱۷: ۹۵/۵) اخلاقی که براساس این دیدگاه شکل می‌گیرد، اخلاق فضیلت^۱ خوانده می‌شود. (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۸؛ امام خمینی، ۱۳۹۱: ۱۰؛ لاهیجی، ۱۳۷۲: ۶۷۷) در نتیجه، خوب دانستن یک عمل، به دلیل مبدأ آن عمل نیک یا وجود یک خلق نیکو (فضیلت) است. (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۷: ۱۰) در نتیجه

1. Ethical of virtue.

اخلاق فضیلت هم صفات اخلاقی و هم رفتارهای برخاسته از آنها را دربرمی‌گیرد. اما از نظر دانشمندان غربی، اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی، آن گونه که باید باشد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۸) یا نظام‌هایی از ارزش‌ها و عادات تحقق‌یافته در زندگی گروه‌های خاصی از انسان‌ها. (کریپ، ۱۳۷۸: ۲۹۱) که فرانکنا آن را اخلاق وظیفه و عمل می‌داند. (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۱۴۱) در نتیجه اخلاق از دیدگاه فلاسفه غربی صرفاً به رفتارهایی که جامعه براساس جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص خود، اخلاقی می‌داند اطلاق می‌شود.

بنابراین وفاداری در پژوهش حاضر عبارت است از صفات نفسانی و رفتارهای برخاسته یا مستقل از صفات که می‌توان عنوان صواب و خطا یا خوب و بد به آنها داد اصل وفاداری، عمل براساس فضیلت عمده و مهم وفا و رفتارهای برخاسته یا مستقل از آن است که باعث التزام و پایداری کامل به پیمان ازدواج می‌شود.

مراد از خانواده در این نوشتار، گروهی از اشخاص (مذکر و مؤنث) هستند که با ازدواج - صورتی از روابط جنسی که به تصویب جامعه رسیده - (کوئن، ۱۳۸۵: ۱۲۷) یا ارتباط خونی (صالح زاده، ۱۳۹۲: ۵۰) یا فرزندخواندگی با یکدیگر اتحاد یافته‌اند و دارای کارکردهای تنظیم رفتار جنسی، تولیدمثل، حمایت و مراقبت از همسر و فرزندان، جامعه‌پذیرکردن کودکان، عطف و همراهی زن و شوهر، تأمین پایگاه اجتماعی، مشروعیت فرزندان و کارکردهای اقتصادی است. (بستان، ۱۳۸۹: ۱۰۴ - ۶۴) همچنین مراد از خانواده در تمدن اسلامی، خانواده مطلوب اسلامی است نه خانواده موجود اسلامی؛ زیرا بین خانواده مطلوب و وضعیت موجود خانواده در کشورهای اسلامی فاصله قابل توجهی وجود دارد.

استحکام خانواده به معنای قرار گرفتن اعضای خانواده زیر یک سقف به قیمت ظلم و تعرض و نادیده انگاشتن حقوق دیگری و توصیه و سفارش به او جهت گذشت و چشم‌پوشی بی‌مورد از خطاهای دیگری به منظور جلوگیری از طلاق و جدایی نیست؛ استحکام خانواده با حاکمیت اصل اعتدال، اخلاق و حفظ حقوق همه اعضا به دست می‌آید. (بخشی و مهدوی آزادبندی، ۱۳۹۶: ۸ / ۶۳) لذا قرار گرفتن و باقی ماندن اعضا زیر یک سقف بدون رعایت حقوق یکدیگر و با ظلم و تعرض به یکی و چشم‌پوشی دیگری صرفاً تداوم خانواده است نه استحکام آن.

تمدن نیز مجموعه دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است؛ آدمی در مسیر رشد و تعالی خود و برطرف کردن نیازهای جسمانی و معنوی خویش در گذشته به دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی‌ای رسیده که ما آن را تمدن می‌نامیم. (کاشفی، ۱۳۸۴: ۳۵)

تمدن یونان: یونانی‌ها قوم هند و اروپایی صحراگردی بودند که حدود ۲۰۰۰ ق.م وارد شبه جزیره یونان شدند و توسط مردم کرت متمدن شدند. با ورود مهاجمان دوریانی، یونان وارد عصر تاریکی و تنزل فرهنگی شد ولی این وضع در حدود ۸۰۰ ق.م پایان یافت و اوج‌گیری تمدن یونان آغاز شد که در عصر کلاسیک به متتها درجه خود رسید. (آدلر، ۱۳۸۳: ۱۳۳)

در نتیجه با بررسی مفهوم، معیار و مصادیق وفاداری در تمدن یونان و اسلام این نتیجه به دست می‌آید که اصل وفاداری در اسلام نسبت به تمدن یونان تأثیری منحصر به فرد در استحکام خانواده دارد و تفاوت‌های جدی آن با تمدن یونان تبیین می‌شود.

۳. بررسی مفهوم، معیار و مصادیق وفاداری در تمدن یونان و قرآن

برای بیان نقش وفاداری در استحکام خانواده در تمدن یونان و اسلام به بررسی مفهوم، معیار و مصادیق وفاداری در تمدن یونان و قرآن پرداخته می‌شود و با مقایسه تمدن مذکور با قرآن، دیدگاه اسلام در زمینه نقش وفاداری در استحکام خانواده با وضوح بیشتری بیان می‌شود.

الف) مفهوم وفاداری در تمدن یونان

در تمدن یونان وفاداری صفت ثابت یا ملکه اخلاقی نیست بلکه رفتار اخلاقی است؛ در بررسی وفاداری در یونان باستان توجه به نکات زیر لازم است:

الف) در دین یونانی و اسطوره‌های هومر (عصر آخانی و بعد از آن) خدایان آسمانی و زمینی از لحاظ عفت و شرافت و نجابت سرمشق‌های عالی به انسان نداده‌اند. خدایان در افسانه‌های هومر به همسر خود خیانت می‌کردند. آفرودیت به بسیاری از خدایان و افراد زمینی رابطه داشته و از هر کدام از آنها فرزندی به دنیا آورده است. (صانع‌پور، ۱۳۹۳: ۴۸) افسانه‌های یونانی خدایان را نمونه فساد اخلاق ساخته و به خیانت و دزدی و جنگ و قربانی کردن انسان، جنبه تقدس داده‌اند. (دوران، ۱۳۸۷: ۲ / ۲۲۲)

ب) اسطوره‌های یونان باستان جنس زن را پست می‌دانستند. به عقیده هومر «زن به‌طور طبیعی جنس درجه دوم محسوب می‌شوند و وظایف آنان محدود به باروری و خانه‌داری است و مردان ایفاگر نقش مدیریت اجتماعی و سلطه هستند»، (حورا، ۱۳۸۴: ۷۸) در اسطوره‌های یونان باستان زنان شرارت ذاتی دارند و آفریده شده‌اند تا آرامش را از مردان سلب کنند. (صانع‌پور، ۱۳۹۳: ۴۹) مجازات زنا در قانون برای زنان مرگ بود؛ در صورتیکه خیانت مردان قابل اغماض بود. دومستن (یکی از نویسندگان یونان باستان) می‌گوید: «از فواحش تمتع می‌بریم، با کنیزکان و زنان غیرمشموع خود، در

اوقات روز سلامت جسم خود را تأمین می‌کنیم و زنانمان فرزندان مشروع برای ما می‌آورند و وفادارانه خانه‌هايمان را حفظ و حراست می‌کنند»^۱ (دورانت، ۱۳۸۷: ۳۳۸)

ج) دین یونانی مردان را صرفاً به جهت افزایش جمعیت موظف به همسرگیری و تولیدمثل می‌کرد. (دورانت، ۱۳۸۷: ۲ / ۲۲۲)

د) هم‌جنس‌بازی نیز، به دلیل جدابودن زنان از اجتماع و پرورش پسران پس از شش‌سالگی در بین مردان یا پسران دیگر و عدم ارتباط با زنان، رواج داشت. (همان: ۳۳۴) بعضی از یونانیان هم‌جنس‌بازی را اخلاقی و مصلحت‌می‌دانستند (آدلر: ۱۳۸۳: ۱ / ۲۰۶) روسپیگری نیز رسمی بود و از هرکس به این کار مشغول بود، مالیات اخذ می‌گردید. (دورانت، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۳۳)

در نتیجه در بررسی متون مذهبی و قوانین یونان مشخص می‌شود که وفاداری در دین و افسانه‌های دینی و اخلاق آنها جایگاهی ندارد و یک صفت اخلاقی مثبت و مطلق در بین مرد و زن نبوده و کمتر در بین مردان رفتارهای وفادارانه مشاهده می‌شده است.

در نتیجه وفاداری در این تمدن رفتارهایی حاکی از التزام و پایداری ناقص به پیمان ازدواج و یک سویه (آخائی) تا توفیق اجباری و پایبندی و فرمانبرداری زن در زندگی مشترک بوده است. (اواخر یونان باستان) فقط در تمدن کثرت که قبل از عصر هومر است تحت‌تأثیر خدای مادر، وفاداری، التزام و پایداری کامل و دوسویه به پیمان ازدواج همراه با همدلی و محبت و احترام به حقوق یکدیگر بوده است. (همان: ۱۳) در واقع می‌توان گفت اصول اخلاقی از جمله وفاداری در عصر هومر یا دوره آخائی تا اواخر دوره یونان باستان تحت‌تأثیر منظومه‌های هومر و هزیود مفاهیم و رفتارهایی سطحی و از روی ضعف و ناتوانی هستند.

عواملی که باعث وفاداری در بین همسران در این تمدن شده عبارت‌اند از: پرده نشینی و خارج نشدن از خانه و لذا توفیق اجباری و فرمانبرداری از مرد در تمدن آخائی و اواخر یونان باستان. (همان: ۳۴۰) و تفاهم و تعاون در امور داخل و خارج خانه، عشق و محبت به یکدیگر، احترام به حقوق یکدیگر، آراستگی زنان و قدرشناسی مردان در کثرت. (دورانت، ۱۳۸۷: ۱۳)

ب) مفهوم وفاداری در قرآن و اهمیت آن در استحکام خانواده

وفا در لغت، مصدر ثلاثی مجرد از «وفی، یفی» است به معنای پیمان را به سر برد و آن را انجام داد و مورد مراقبت قرارداد و بر آن پایدار بود. (شعرانی، ۱۳۹۱: ۶۶) وفا معمولاً با عهد به کار می‌رود؛ عهد آن چیزی

1. Demosthenes, Against Neaera; Smith, Wm, Dictionary, 349, s.v., concubium.

است که انسان با صیغه عهد ملتزم به آن شده باشد، مانند نذر و سوگند. (قرشی، ۱۳۵۴: ۷ / ۲۳۰) بنابراین التزام به چیزی و عقد قلبی بر آن را عهد گویند؛ چه پیمان و تعهد، تکوینی یا تشریحی یا قرارداد عرفی باشد. در قرآن تمامی وعده‌ها و قول‌ها و نیز هر عقد و معامله و معاشرت و امثال آن را عهد می‌گویند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۶۵۱) از مصادیق وفا، تمام و کامل کردن پیمان، جاری کردن حق صاحب پیمان، تکمیل دستمزد و حق آن را کامل ادا کردن است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳ / ۱۶۱) در نتیجه وفای به عهد یا وفاداری یعنی تمام و کامل کردن عهد و پیمان و حق آن را کامل ادا کردن است. در اسلام وفای به عهد و پیمان صفت مؤمن است «مؤمنین آنهاست که امانت و عهد خود را رعایت می‌کنند». (مؤمنون / ۸؛ معارج / ۳۲) کلمه رعایت در اصل یا به معنای حفظ است (قرشی، ۱۳۵۴: ۷ / ۲۳۰) یا مراقبت کامل از عهد است تا هیچ‌گونه آسیبی به آن نرسد، شخصی که امانتی را پذیرفته یا عهد و پیمانی با کسی بسته، باید چنان مراعات کند که هیچ‌گونه آسیبی به امانت و عهدش نرسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۳ / ۲۴۳)

در نتیجه از طرفی مطابق این آیه نیز حفظ عهد و پیمان یا وفاء به عهد آنست که آنرا بدون کم و کاست و مطابق وعده انجام دهی.

خداوند از عهد و پیمان ازدواج به عنوان پیمان محکم یاد کرده: «همسران شما هنگام عقد ازدواج از شما پیمان محکم بر وفاداری و امانت گرفتند». (نساء / ۲۱) و از مؤمنین خواسته نسبت به پیمان ازدواج به‌طور کامل وفادار باشند و از آن مراقبت کنند.

در نتیجه وفا در قرآن فضیلت مهم و اصلی است که در صورت کسب این فضیلت، همه عهد و پیمان‌ها چه با خداوند چه با بندگان - مؤمن و غیرمؤمن - رعایت می‌شوند و اصل وفاداری در ازدواج از دیدگاه قرآن عمل براساس فضیلت وفا و حفظ و مراقبت کامل از عهد و پیمان محکم زناشویی با پایبندی جسمی و عاطفی به پیمان به نیت کمال‌خواهی و قرب به خداوند است.

وفاداری در استحکام خانواده نقش اساسی دارد. وقتی کسی خود را در چارچوب ازدواج و خانواده قرار می‌دهد باید پایبند شماری از تعهدات اخلاقی گردد و خود را ملزم به رعایت تعهدات خاصی نماید و در این راه بسیاری از رفتارها و حتی چشم، گوش و قلب خود را مهار کند تا مبادا دچار لغزش شود (کج‌یاف، ۱۳۹۴: ۱۴۰) لذا شخص باید خود را تربیت کند.

خداوند هم برای حفظ عهد و پیمان ازدواج مسیر صحیح ارضای غریزه جنسی را این چنین بیان کرده: «همانهاست که عورت خود را از حرام و نامحرم حفظ می‌کنند، مگر از همسران و یا کنیزان خود که در مباشرت با این زنان ملامتی ندارند». (مؤمنون / ۶ - ۵)

در نتیجه اولاً مسیر صحیح غریزه جنسی آن است که با تمتع از جنس مخالف ارضا شود و از هم جنس بازی به شدت نهی می کند «چرا کار زشتی را می کنید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما نکرده اند. شما از روی شهوت به جای زنان به مردان رو می کنید، بلکه شما گروهی اسراف پیشه اید». (اعراف / ۸۱ - ۸۰) ثانیاً رابطه با جنس مخالف محدود به آن چیزی است که در چارچوب قانون و شرع بیان شده است که همان ازدواج می باشد.

خداوند مؤمنین را از زنا و خیانت نهی می کند: «ازدواج کنید آنهم به پارسایی، نه زناکاری و رفیق گیری». (نساء / ۳۴؛ مائده / ۵) در نتیجه خداوند برای حفظ عفت، اعتماد و وفاداری همسران، روابط قبل از ازدواج (زنا) و ارتباط با غیرهمسر بعد از ازدواج (خیانت) را تحریم کرده و هر دو را مورد نکوهش قرار داده و حتی برای مرتکبین آنها مجازات تعیین است.

از مجموع آیات، عواملی که موجب وفاداری همسران می شود عبارتند از: رعایت حقوق یکدیگر، احترام متقابل اعضاء به یکدیگر، اصل مشارکت در امور زندگی، عشق و علاقه و مهربانی به یکدیگر، رعایت حجاب به عنوان عامل وفاداری مرد به زن و زن به مرد، امانت داری، غیرتمندی و ... (کج باف، ۱۳۹۴: ۱۴۵ - ۱۴۲) رعایت این موارد در خانواده ها هم باعث وفاداری همسران می شود و هم زمینه استحکام خانواده را فراهم می آورد.

۴. ارزیابی مفهوم وفاداری در تمدن یونان با قرآن

در اسلام وفاداری در ازدواج ریشه در فضیلت وفا دارد و رفتارهای وفادارانه از فضیلت وفا صادر می شوند و از آنجاکه فضایل در روح انسان ملکه و ثابت هستند رفتارهای وفادارانه بدون تأمل و حساب سود و زیان از فضیلت وفا صادر می شوند؛ در صورتی که در تمدن یونان وفاداری صرفاً یک رفتار است و از فضیلتی نشأت نمی گیرد و صرفاً برآمده از بینش غایت گرایانه مبتنی بر ارزیابی افراد از سود و زیان است؛ لذا ممکن است گاهی آن را ردیلت بدانند یا لاقول فضیلت ندانند. وفاداری ریشه در متون دینی آنها ندارد و خدایان یونانی خود الگوهای اخلاقی خوبی نبودند در حالی که در اسلام «خدا نور آسمانها و زمین است» (نور / ۳۵) و توصیه های زیادی به وفاداری در قرآن دارد. وفاداری در تمدن یونان فقط پیوند ظاهری و رسمی یک زن و مرد بدون التزام جنسی و عاطفی مرد به پیمان زناشویی و توصیه قانون برای بقای نسل و افزایش جمعیت بوده که تنوع طلبی و شهوت رانی منافاتی با آن نداشته است. ولی در قرآن توصیه به وفاداری و مراقبت کامل از عهد و پیمان زناشویی با پایداری جسمی و عاطفی به پیمان زناشویی برای استحکام و حفظ کانون خانواده شده است. در کتب

دینی تمدن یونان خصوصا در اواخر یونان باستان، به دلیل مدیریت و سلطه مرد وفاداری رفتاری زنانه بوده و تنها زنان وفادار بودند (دورانت، ۱۳۸۷: ۳۳۸) در صورتی که در اسلام وفاداری مفهومی است که به جنس خاصی تعلق ندارد و از صفات خوب اخلاقی مؤمن است و پذیرش عهد و پیمان همواره مستلزم رعایت دستوراتی دقیق و تضمین کننده حقوق طرفین است که همان وظایف و حقوق همسران که خداوند بیان کرده است، می باشد. (نساء: ۳۴) و حتی خروج از این پیمان نیز با شرایط ویژه‌ای محقق خواهد شد همان گونه که خداوند فرموده است: «یا نگهداری به شایستگی و یا رها کردن با احسان». (بقره / ۲۲۹)

در نتیجه نظام فکری - اخلاقی اسلام نه تنها در تبیین معنا و مفهوم وفاداری بلکه در مورد قلمرو و حوزه این اصل حیاتی، تفسیری بسیار جامع، متقن و منحصر به فرد ارائه کرده است.

الف) معیار وفاداری در تمدن یونان

در اوایل تمدن یونان باستان (کرت) معیار وفاداری دیگرخواهی و دوستی همسر و وفاداری به معنای التزام کامل زن و شوهر به پیمان زناشویی و همراهی با هم در کارهای داخل و خارج خانه بوده است. (دورانت، ۱۳۸۷: ۱۳/۲)

در عصر پهلوانی و دوره تمدن آخائی معیار وفاداری سودگرایی بوده است و وفاداری یعنی التزام نسبی زن و شوهر به پیمان زناشویی و همکاری در دغدغه‌ها و اشتغالات خانواده برای رسیدن به نظم خانوادگی. (همان: ۵۷)

در اواخر یونان باستان معیار وفاداری خودگرایی و کسب منافع مرد بود. خوب بودن و بدبودن عمل به تأمین یا عدم تأمین سود مادی مرد بستگی داشت و وفاداری زنان به جهت اینکه خیال مردان را راحت می کرد که اموال آنها به زنازاده رقیب نمی رسد ارزش بود. در آن دوره ازدواج جنبه مالی داشت و مردان با زنان پولدار ازدواج می کردند و زنان فقیر برای به دست آوردن پول جهت ازدواج، روسپیگری می کردند و وقتی در ازدواج اموال آنها تصاحب می شد زن را خانه نشین می کردند. (همان: ۳۳۹) در نتیجه وفای به پیمان زناشویی توسط زنان توفیق اجباری بود و مردان، نیازی به رعایت وفاداری نمی دیدند. در مجموع معیار وفاداری در تمدن یونان در مقاطع متفاوت دیگرخواهی، سودگرایی و خودگرایی بوده است.

ب) معیار وفاداری در قرآن

برای به دست آوردن معیار وفاداری در قرآن کافی است به چند آیه در این زمینه توجه شود. قرآن یکی از صفات مؤمن را رعایت عهد و پیمان بیان کرده و وفای به عهد و پیمان را با تقوا مرتبط

دانسته و می‌فرماید: «آری کسی که به عهد خود وفا کند و از خدا پروا نماید خدای تعالی پرواداران را دوست می‌دارد». (آل عمران / ۷۶) در این آیه به‌جای وفاکننده به عهد، متقی ذکر شده که برای اینست که صفتی از صفات مؤمن را ذکر نماید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۱۳۱) در نتیجه رعایت عهد و پیمان از تقوا شمرده شده و بین این دو ارتباط زیادی وجود دارد.

یکی از عهد و پیمان‌هایی که خداوند در قرآن دستور به وفای کامل به آن داده عهد و پیمان ازدواج است (نساء / ۲۱) همان عهدی که در سوره بقره آیه ۲۲۹ بیان شده که هنگام عقد از مرد برای زن گرفته می‌شود که مثلاً او را بطور شایسته نگه بدارد و گرنه بطور شایسته طلاق بدهد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۴۳)

در نتیجه معلوم می‌شود که وفا در قرآن یک فضیلت است و معیار قرآن در وفاداری، فضیلت‌گرایی، کمال‌خواهی و قرب به خداوند است. هرچه بهره انسان از فضیلت وفای به عهد بیشتر باشد بدان معناست که از تسلیم در برابر حق بهره بیشتری یافته و به کمال مطلق نزدیک‌تر گشته است و هر چه انسان از بندگی و ورع الهی دورتر باشد نقض پیمان بیشتری را مرتکب شده است و از خداوند دور گشته است. (در نتیجه وفاداری‌ای فضیلت است و ارزش دارد)

تأکید و اهتمام قرآن کریم بر بیان ضوابط دقیق ازدواج و طلاق و پاسداشت حقوق مادی و معنوی بانوان، مهم‌ترین نمایه‌هایی است که می‌توان براساس آن به اهمیت وفای به عهد و التزام عملی و قلبی به پیمان زناشویی پی‌برد به‌ویژه اینکه ضمانت اجرایی این پایبندی و وفاداری میل به کمال‌خواهی و رسیدن به قرب به خداوند باشد. (اسلامی‌پناه، ۱۳۸۴: ۱۵)

۵. ارزیابی معیار وفاداری در تمدن یونان با قرآن

معیار وفاداری در قرآن فضیلت‌گرایی و کمال‌خواهی و قرب به خداوند است؛ در حالی که معیار وفاداری در تمدن یونان دیگرخواهی، خودگرایی و سود عمومی بوده است.

در ابتدای تمدن یونان (کرت) معیار دیگرخواهی و عاطفه دوستی و محبت به همسر و همدلی و همراهی با اوست. این معیار از این جهت که از خودخواهی جدا شده و به خواست و حقوق دیگران توجه می‌کند با معیار قرآن هماهنگ است و می‌تواند عامل مثبتی برای استحکام خانواده باشد ولی معیار قرآن عبور از خودخواهی و رسیدن به خداخواهی است «ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای عبودیت» (ذاریات / ۵۶) که در راستای معیار قرب به خدا معیار دیگرخواهی هم به‌دست می‌آید ولی اگر همدلی و دیگرخواهی در تعارض با رضای خدا باشد قرب به خدا به‌دست نمی‌آید؛ لذا معیار

دیگرخواهی هرچند از معیار خودگرایی بهتر است ولی در مقایسه با معیار قرآن کامل نیست؛ چرا که میل به کمال و قرب خداوند سبب بروز نوعی برتر از دیگرخواهی است که افراد و موجودات را در پرتو عشق به خداوند مورد احترام و دوستی قرار می‌دهد و هیچ‌گاه اسیر خودخواهی در دوست داشتن نیست.

در دوره آخائی، (مردم یونانی زبان تسالی جنوب در آثار هومر یا همان تمدن یونانیان عصر پهلوانی) معیار تأمین سود عمومی بوده است و خوب یا بد بودن وفاداری یا خیانت و نقض پیمان در مکاتب سودگرایی با فراهم آوردن سود عمومی یا عدم آن سنجیده می‌شد. هر گاه وفاداری منجر به نفع بیشترین افراد جامعه بود خوب و پسندیده بوده و باید آن را انجام می‌دادند و در غیر این صورت غیر اخلاقی بود. نمی‌توان اثبات کرد که وفاداری موجب به دست آوردن سود عموم مردم می‌شود، زیرا این معیار در فضای مرد محور تمدن آخائی و یونان باستان فقط سود عموم مردان را تضمین کرده است و زنان به سبب نادیده انگاشته شدن، توان چندانی در تغییر معادلات سودمحور به نفع خود نداشتند و از این رو گویا جزء عموم مردم به حساب نیامده‌اند و برای تأمین سود مردان، گاهی خانه‌نشین شدند (بعد از دواج) و گاهی تن‌فروشی کردند (قبل از دواج) ضمن اینکه این معیار فقط سود مادی عموم مردم را مدنظر دارد نه سود معنوی را. ماهیت این نوع مکاتب اخلاقی، چیزی بیش از آن نیست که چه کنیم تا درآمد، بهره و لذت بیشتری داشته و موفقیت و شخصیت بالاتری در جامعه به خود اختصاص دهیم. کسب بسیاری از فضایل دیگر در این معیار چون صداقت و عفت و غیرت، بدین منظور است که این صفات به صورت ابزار انتفاعی تلقی شده و موجب رونق بازار می‌گردد؛ در حالی که نظام فکری - اخلاقی اسلام هم بهره دنیا و هم بهره آخرت همه مؤمنین را برای رسیدن به کمال در نظر گرفته است. لذا مکاتب خودگرایی و سودگرایی متأثر از جمود فکر مادی در فهم صحیح فضیلت وفاداری و تدارک استحکام خانواده در این مکاتب ناتوان بوده‌اند.

در اواخر تمدن یونان باستان گاهی مردسالاری رواج داشته و ازدواج از طریق خرید و فروش صورت گرفته لذا وفاداری زن امانتداری و تأمین منافع مرد بوده است با این رویکرد خوب بودن یا بد بودن یک عمل، بر مدار خواست یک نفر و آن مالک بوده است که این همان معیار خودگرایی است و چیزی جز سوءاستفاده و ظلم و بی‌عدالتی نیست. به همین خاطر است که در این تمدن از زنان وفاداری را خواستار بودند ولی بی‌وفایی مرد سبک‌سری و قابل اغماض و گاهی طبیعی و ضروری قلمداد می‌شد. این معیار خودخواهی محض است و خودخواهی خارج از دایره اخلاق هنجاری است و با این معیار هرگز استحکام خانواده به دست نمی‌آید؛ زیرا استحکام نتیجه حاکمیت عدالت و اخلاق در خانواده است؛ در قرآن وفاداری صفت مؤمن است و تفاوتی بین زن و مرد در لزوم وفاداری

وجود ندارد: (مؤمنون / ۸؛ معارج / ۳۲) همچنین قرآن ماهیت ازدواج را «عقده» به معنای پیوند دانسته است. (بقره: ۲۳۵ و ۲۳۷)

در نتیجه گرچه با معیار دیگرگرایی می‌توان وفاداری و در نتیجه استحکام خانواده را تا حدودی تأمین کرد ولی با معیارهای خودگرایی و سودگرایی، نمی‌توان وفاداری بین زوجین را به صورت کامل و صحیح تأمین کرد و بدینوسیله استحکام خانواده به دست نیامده بلکه خانواده صرفاً تداوم پیدا می‌کند.

لذا از نظر قرآن خاستگاه صحیح وفاداری فضیلت‌گرایی و کمال‌خواهی برای قرب به خداوند است و با معیار وفاداری در تمدن یونان که در بهترین وضعیت مبتنی بر دیگرگرایی است بیشترین اثر آن تنها تداوم خانواده است؛ ولی با معیار کمال‌گرایی و فضیلت‌گرایی صحیح و عقلانی قرآنی است که استحکام خانواده به دست می‌آید؛ البته در پرتو معیار قرآن، بخشی از منفعت شخص، منفعت عموم مردم و عاطفه دیگر دوستی و عمل بر اساس وظیفه و تعالیم دینی و کمال که با آن همخوانی دارد نیز به دست می‌آید.

الف) مصادیق و نمودهای وفاداری در تمدن یونان

در اوایل یونان باستان (کرت) در این دوره مردم نیروی باروری طبیعت را می‌پرستیدند و قدرت مرموز زن - تولیدمثل - هم نمایشگر آن بود که بر بزرگ‌ترین دشمن انسان - مرگ - غالب شده بود. لذا مردان برای زن و مادر ارزش قائل بودند و به همین خاطر به پیمان ازدواج هم به طور کامل وفادار بودند. (دورانت، ۱۳۸۷: ۱۷) زنان وفادارانه هم در خانه و هم در اجتماع در کنار مردان بدون خودنمایی و تبرج [و با وفاداری کامل] کار می‌کردند، مردان نیز قدر آنها را می‌دانستند و امکانات زندگی و خوشی بهتر و بیشتر را برای آنها فراهم می‌کردند و خدایان خود را شکل زنان می‌ساختند. (همان: ۱۳) این وفاداری دو سویه و عمیق و معنادار باعث استحکام خانواده در این تمدن شده بود.

در یونان باستان عصر پهلوانی یا آخایی: اصولاً پدر بر همه اعضای خانواده سلطه داشت و می‌توانست هر چه بخواهد متعه بگیرد (همان: ۶۰) البته این آزادی به تقلید از خدایان بود زیرا در روایات پهلوانی زئوس با آزادی کامل از زنان دیدن می‌کرد و صاحب فرزندی می‌شد. (همان: ۴۹) زن در این تمدن پس از زناشویی بانوی خانواده می‌شد و کمتر از خانه خارج می‌شد. (همان: ۶۰) ظاهراً زنان و مردان یونانی معمولاً پس از زناشویی به عشق حقیقی که بر اثر اشتراک طولانی زن و مرد در دغدغه و اشتغالات خانوادگی پدید می‌آمد، گرفتار می‌شدند!! باین وجود وفاداری زن در این تمدن به اندازه بی‌وفایی شوهرش بود. ظاهراً عشق با روابط خارج از خانه منافاتی نداشته است. با این حال

خانواده تداوم داشت (همان: ۲ / ۶۱) در نتیجه وفاداری یعنی اطاعت از شوهر و وفاداری یک‌سویه زن باعث تداوم خانواده و نه استحکام آن شده بود.

در اواخر تمدن یونان باستان: آتن بیشتر محیطی مردانه بود. زنان چون آموزش و پرورش فکری نداشتند از نظر فکری فرمانبردار شوهرانشان بودند (لوکاس، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۳۸) زن را به‌عنوان مایملک ارزشمند مرد دور از چشمان نامحرم اعضای غیرخانواده یا اغوای مردها محفوظ می‌داشتند (آدلر، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۰۵) به این دلیل بانوی آتنی در عصر دموکراسی (سده پنجم ق.م) طبعاً می‌بایست در مسائل جنسی و خانوادگی سرخورده‌گی بسیار دیده باشد (همان: ۲۰۶) در نتیجه زنان اجباراً وفادار بودند زیرا مردان برای تأمین آزادی جنسی خود، زنان را خانه‌نشین کرده بودند به شکلی که حتی برای دیدن خویشان و دوستان خود می‌بایست در حجاب کامل و با مراقبت این کار را انجام دهند. (دورانت، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۴۰) و مردان [به دلیل داشتن خدایان هوسران و اخلاقی نبودن دین و تشویق به افزایش جمعیت در این تمدن] بدون اضطراب و ترس از بی‌وفایی زنان با آزادی به روابط آزاد می‌پرداختند. (دورانت: ۱۳۸۷: ۲ / ۳۸۸)

خانواده در این تمدن پایدارترین و تواناترین تشکیلات تمدن یونان است و این تداوم در عصر کورت مرهون وفاداری کامل زن و مرد و در عصر پهلوانی مرهون وفاداری زن با وجود بی‌وفایی مرد و در اواخر یونان باستان توفیق اجباری زن در وفاداری نسبت به همسر بوده است.

ب) مصادیق و نمودهای وفاداری در قرآن

در قرآن در چند مورد به مؤمنین توصیه شده که به همه عهد و پیمان‌های خود عمل کنید: عهد و پیمان با خدا (بقره / ۴۰؛ نحل / ۹۱) همه عهد و پیمان‌ها (اسراء / ۳۴) قراردادهای و تعهدات (مائده / ۱) عهد صاحب پیمان و میزان (هود / ۸۵؛ انعام / ۱۵۳؛ شعراء / ۱۸۱؛ یوسف / ۵۹) و گاهی در برابر وفای به عهد و پیمان وعده پادشاه داده است (آل عمران / ۷۶؛ توبه / ۱۱۱؛ فتح / ۱۰)

در آیه دیگری به وفای عهد و پیمان خویش با خداوند امر شده‌ایم «به پیمان خدا وقتی که پیمان بستید وفا کنید» (نحل / ۹۱) همان طور که از فروش عهد الهی به بهای اندک نهی شده‌ایم: «عهد خدا را به بهای اندک نفروشید» (نحل / ۹۵) پس به‌طور حتم تمامی ابنای بشر با خداوند هستی‌بخش عهد و پیمانی بسته‌اند که وفای به آن، رکن دین، ایمان و تقواست؛ این پیمان چیزی جز تعهد به بندگی خداوند نیست که همه انسان‌ها به آن اقرار کرده‌اند: «آنها را گواه بر خویشتن ساخت». (اعراف / ۱۷۲)

به عبارت دیگر کرامت الهی مخصوص کسی است که به عهد خدا وفا کند و تقوا داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۴۱۸) به همین دلیل است که خداوند متعال در قرآن ضمن برشمردن صفات

مؤمن، وفای به عهد را نیز یادآور می‌شود (بقره: ۱۷۷) در نتیجه فضیلت وفای به عهد یا وفاداری شامل وفا به تمامی وعده‌ها و قول‌ها و هر عقد و معامله و معاشرت و امثال آن می‌شود.

پیمان ازدواج نیز یک نوع عهد و پیمان است (نساء / ۲۱) لذا وفاداری نسبت به همسر یکی از فضایل مهم اخلاقی است.

بنابراین، هر آدمی متناسب با میزان تعهد قلبی و عملی به پیمان خویش و وفای به عهد بندگی و ادای امانت الهی است که گامی در جهت رستگاری خویش برمی‌دارد. این اصیل‌ترین پیمان و عهد آدمی است که تمامی عقود و پیمان‌های دیگر و الزام وفای به آنها از آن منبعث می‌شود. بدین ترتیب دو اصل بسیار مهم ذیل را می‌توان نتیجه گرفت:

۱. سایر عقود انسانی و وفای به آنها زیر مجموعه عهد با خداوند است و وفاداری نسبت به خانواده، از تکالیف الهی است و نقض آن، نقض بندگی و دوری انسان از خداوند و به همان میزان سقوط و هلاکت در سیر صعود الی الله است. ازدواج و تشکیل خانواده پذیرش عهد است. خانواده بستر آرامش همسران و فرزندان است. سعادت را می‌توان در خانه امن و پر از محبت جست‌وجو کرد. به همین میزان نقض پیمان نسبت به همسر و فرزندان، ظلم بزرگی است که تحصیل هر یک از فضایل فوق را برای تمامی اعضای خانواده و حتی بستگان آنان بسیار دشوار ساخته و در موارد بسیاری زمینه بسیار مناسبی برای آلوده شدن به رذایل و ازدیاد ناپاکی‌ها فراهم می‌آورد.

۲. وفاداری به پیمان الهی و رعایت بندگی و امانت خداوند شرط لازم و نیز مکمل نظری و عملی آراسته‌شدن به تمامی فضایل و پیراستگی انسان از تمامی رذایل است. فضیلت‌مندی و الزام رعایت عدالت، صداقت، مسئولیت‌پذیری، عفت، شجاعت، غیرت، حفظ امانات و... همگی از فضیلت وفا نشأت می‌گیرند. (ساطع، ۱۳۹۴: ۲۰ / ۳۷)

در نتیجه وفای به عهد و پیمان ازدواج، از مصادیق اصل وفا در اسلام است که به همراه دستاوردها و نتایجش زمینه‌ساز استحکام خانواده می‌باشد.

با همه آنچه در باب اهمیت پایبندی به پیمان ازدواج و عمومیت وفاداری نسبت به زن و مرد در اسلام و تعالیم قرآن آمد، به اعتقاد بعضی، چندهمسری با استحکام خانواده و اصل وفاداری منافات دارد؛ زیرا معمولاً ورود زن دوم به زندگی مرد، تنش‌های فراوانی در روابط خانوادگی وی به دنبال دارد که فرزندان نیز از آسیب‌های آن درامان نیستند. در حقیقت، زن دوم بر روی ویرانه‌های زندگی زن اول آشیانه خود را بنا می‌کند و همسر اول اقدام وی را نافی اصل وفاداری می‌داند. این وضعیت به سستی روابط همسری منجر می‌گردد و یکی از علل طلاق در وضعیت کنونی محسوب می‌شود. (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶: ۶۹)

این پرسش رایج با بیان دو نکته قابل رفع است، نخست اینکه همان گونه که در آغاز این مقاله گذشت ما در این مقام درصدد تبیین الگوی تراز و برتر خانواده در اندیشه اسلام هستیم و نمونه‌های عینی و منحرف شده که در بسیاری موارد متأثر از عملکرد ناروا و نامتوازن مردان در جامعه است نمی‌تواند شاهدهی بر نادرستی قوانین دینی باشد.

دوم اینکه شواهد قدرتمندی در آیات قرآن وجود دارد که می‌توان با تمسک به آن، چندهمسری مجاز را از نمونه‌های آن در اذهان عمومی متمایز کرد. از آن جمله این که خداوند در بیان جواز چنین موضوعی معیار لزوم پابندی مرد به عدالت میان همسران را مطرح نموده است (نساء / ۳۹) این عدالت که موضوعی فراتر از عدالت مادی است و شامل مواردی از تقسیم عادلانه توجّه و محبت و عدالت در مقدار نفقه واجب، رعایت عدالت در تقسیم شب‌ها، رعایت عدالت در هزینه‌های زندگی، حسن معاشرت، خوشرویی و ... (بحرانی، ۱۹۸۵، ۲۳ / ۶۰۹) نیز می‌شود، به قدری در قرآن اهمیت دارد که خداوند امر فرموده است که چنانچه می‌ترسید که از عهده پیاده‌سازی چنین عدالتی ناتوان باشید، از چند همسری بپرهیزید. تعلیق این حکم بر ترس عاقلانه از ناتوانی و نه علم و یقین به عادلانه رفتار نکردن، نشان از اهمیت رفتار مردان در جایز بودن این موضوع دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۲۶۸)

با این مقدمه روشن می‌شود که فلسفه تشریح چنین قانونی نه رها کردن مرد از پیوند ازدواج و زمینه‌سازی هوسرانی، که ایجاد یک راهکار اجتماعی برای سرپرستی و تأمین حق نکاح برای زنانی است که به دلایلی از جمله سازوکارهای اجتماعی و فرهنگ و رسوم و یا فزونی تعداد زنان بر مردان از چرخه ازدواج خارج شده و حق طبیعی آنان به رسمیت شمرده نشده است. در چنین وضعیتی وارد شدن این بخش از زنان به پیوند زناشویی و تعهد شرعی مردان نسبت به حقوق آنان، در مقایسه با بسترسازی فساد و رهاشدن در جامعه و تحمل رنج بی‌سرپرستی اولویت دارد. بر این اساس گرچه الگوی ابتدایی بی‌تردید تک‌همسری مردان است و بنیان عاطفی خانواده در چنین فضایی تأمین خواهد شد؛ اما در مواردی برای عبور از چالش‌های اجتماعی، چند همسری با قوانینی سخت و عادلانه ترسیم شده است. البته اگر در جامعه‌ای چنین اقتضائاتی وجود نداشته باشد، مانند اینکه زنان به تعداد مردان و یا کمتر باشند و همچنین نگرانی بابت سرکوب حق طبیعی بخشی از زنان جامعه وجود نداشته باشد، حکم چند همسری نیز محالی برای جواز و اجرا نمی‌یابد. (مطهری، ۱۳۸۷: ۳۲۵)

نتیجه‌ای که می‌توان از مجموع این بحث گرفت این است که چند همسری به مصلحت خانواده و حفظ کانون آن در کل جامعه اسلامی و جلوگیری از رواج فحشاء در جامعه است ولی با توجه به معنای وفاداری یعنی «التزام و پایداری به پیمان زناشویی و خیانت نکردن به همبستگی عاطفی و جنسی»

که دارای سه عنصر عفت و پایداری جنسی، عدم تنوع طلبی و تمکین جنسی است (کج‌باف، ۱۳۹۴: ۱۴) در تک‌همسری مجال بیشتری برای بروز دارد، اما با توجه به مصالح کلی جامعه و لزوم عفت و تقوا در مردان نباید ابزاری برای تنوع طلبی و هوسرانی باشد.

اما آنچه در باب ازدواج موقت و نسبت سنجی آن با اصل وفاداری باید بیان کرد این است که ازدواج موقت یک پیمان زناشویی دوجانبه برای مدت معین و با رعایت تمام حقوق و شرایط لازم است (آل کاشف الغطاء، ۱۳۴۶: ۲۳۲) شرایط صیغه عقد موقت همان صیغه عقد دائم است (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۰ / ۱۵۵) و فرزندان حاصل از این ازدواج با فرزندان حاصل از ازدواج دائم تفاوتی ندارند. (آل کاشف الغطاء، ۱۳۴۶: ۲۴۳) این نوع ازدواج نیز تعهدآور است و ابدا شباهتی به روابط نامشروع که تنها جنبه شهوترانی دارد و تعهدی برای طرفین ایجاد نمی‌کند، ندارد. نکته مهم این است این نوع ازدواج در اسلام فقط برای افرادی مجاز است که شرایط ازدواج دائم را ندارند یا به دلایل مختلف (مثل تحصیلات و مسافرت‌های طولانی مدت) همسرشان در کنارشان نیست. پس راه بر سوء استفاده‌کنندگان از این حکم بسته است. (رضایی و میرعرب، ۱۳۹۸: ۱۲۶)

چنانچه امام هادی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «حلال المباح مطلق لمن لم یغنه الله بالتزویج فلیستعفف بالمتعه فإن استغنی عنها بالتزویج فهي مباح له إذا غاب عنها: ازدواج موقت مباح و حلال مطلق است برای کسی که خداوند با ازدواج دائم بی‌نیاز نگردانیده باشد؛ پس اگر با ازدواج دائم از متعه بی‌نیاز است تنها هنگامی برایش رواست که همسرش نزد او نباشد. (کلینی، ۱۳۶۷: ۵ / ۵۳) در نتیجه جواز ازدواج موقت در اسلام حکمی کاملاً عاقلانه و منطبق با واقعیت‌ها و ضرورت‌های فردی و اجتماعی است.

بی‌تردید گرچه اصل وفاداری اقتضاء می‌کند که مردان در هر حالی با عفت و خویشتن‌داری با غرایز طبیعی خود تعامل کنند و از جایگاه عاطفی و محبت قلبی خویش نسبت به همسر خود پاسداری کافی و وفادارانه به عمل آورند، اما این ارزش متعالی نباید بستر ایجاد فساد و خروج بخشی از مردان از مسیر تعهد و قانون و ورود به عرصه هوسرانی بی‌ضابطه باشد؛ به هر روی گستره عملکرد اجتماعی مردان ممکن است به دوری آنان از همسر منجر شود و یا برای برخی امکان ازدواج دائم مهیا نباشد که در این موارد به‌ویژه نسبت به بخشی از مردان که توان تاب‌آوری کمتری دارند، جمود بر ازدواج دائم ممکن است به منزله گشوده شدن باب فساد و فحشا باشد در چنین وضعیتی ازدواج موقت با همه قوانین و ضوابطی که دارد، سبب می‌شود این رفتار طبیعی از ضابطه و قانون خارج نشود و تبعات اجتماعی آن مانند حقوق فرزند و ... به‌عنوان یک تعهد پذیرفته بر عهده مرد قابل پیگیری باشد.

لذا چنین حکمی در مقام ضرورت، چنانچه سبب پیشگیری از فساد در فرد و جامعه باشد نه تنها منافاتی با اصل وفاداری ندارد که در واقع برای پیشگیری از فساد و هرزه‌گردی که به معنای نابودی بنیان خانواده است در موارد اضطرار می‌تواند مفید باشد.

در مورد طلاق نیز در قرآن سفارش‌های زیادی برای جلوگیری از فروپاشی خانواده شده است؛ لذا توصیه به طلاق نشده بلکه برعکس تمام آیات در جهت محدود کردن افراد برای انجام طلاق و ترغیب ایشان به رجوع و بازگشت می‌باشد و اصل بر رفع اختلاف زناشویی گذاشته شده است. با وجود این، طلاق در قرآن کریم عملی حرام تلقی نشده و چنانچه امید صلاح و حفظ کانون زناشویی امکان‌پذیر نباشد برای جلوگیری از ظلم بیشتر به هر دو طرف، طلاق را به رسمیت شناخته و آن را به عنوان حلال منفور و با شرایط عادلانه؛ که همان بخشیدن تمام حقوق مالی او هست، مجاز می‌داند. (طلاق / ۱۲ - ۱) البته آیات طلاق بیشتر به دوره بعد از طلاق یا «عده» مربوط می‌شود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای بازگشت به زندگی زناشویی است: «طلاق دو بار است و پس از دو بار یا نگهداری به شایستگی و یا رها کردن با احسان». (بقره / ۲۲۹) به طور خلاصه آیات مربوط به طلاق در سوره بقره نشان دهنده احترام به حقوق زن و شوهر و عدم سوءاستفاده از حقوق خود و اتخاذ یک روش محترمانه و نیکوکارانه است.

۶. ارزیابی مصادیق و نمودهای وفاداری در تمدن یونان با قرآن

برای ارزیابی نقش وفاداری در تمدن یونان و نشان دادن برتری تمدن اسلامی بر سایر تمدن‌ها، مصادیق و نمودهای وفاداری در تمدن‌ها با مصادیق و نمودهای وفاداری در قرآن مقایسه و نکات اشتراک و افتراق آنها بیان می‌شود.

الف) مورد اشتراک

- **وفاداری عامل اصلی تداوم و استحکام خانواده:** به‌رغم تمام تفاوت‌ها و حتی تعارض‌های مبنایی و تفاوت در ارائه معیار و ملاک فضایل و طریقه کسب آن‌ها، وفاداری اصلی است که در تمدن یونان و اسلام آن را برای استحکام یا لاقل تداوم خانواده ضروری دانسته‌اند. وفاداری در تمدن‌ها در جهت امانت‌داری، رعایت تعهد زناشویی و اجبار بوده است. (وفاداری کامل یا التزام جسمی و عاطفی زمینه استحکام یا وفاداری ناقص یا اجباری موجب تداوم خانواده در تمدن شده است) قرآن نیز ضمن بیان صفات مؤمن - ایمان به خدا و مسئله انفاق در راه خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات - وفای کامل به عهد و پیمان را نیز بیان کرده است. لذا در اسلام نیز وفاداری کامل یا التزام و پایداری همسران به

پیمان زناشویی و خیانت نکردن به همبستگی عاطفی و جنسی همسر، هم از تکالیف الهی است و هم شرط لازم و نیز مکمل نظری و عملی آراسته شدن به تمامی فضایل.

ب) موارد افتراق

- **وفاداری یا بی‌وفایی:** در تمدن یونان، به‌رغم ادعای وفاداری، ارتباط با زنان روسپی اشکالی نداشت؛ در نتیجه همسران در این تمدن‌ها گاهی اصول وفاداری را زیر پا گذاشته‌اند ولی همچنان وفادار به همسر تلقی شده‌اند؛ در حالی که در اسلام ازدواج پیمان محکم بر وفاداری و امانت است. پیمان محکم همان وابستگی ای است که عقد ازدواج و امثال آن در بین آن دو محکم کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۴۰۸) و وفاداری در اسلام یعنی زن و مرد از لحاظ روحی، جسمی و جنسی کاملاً وابسته باشند. عفت و پایداری جنسی، عدم تنوع‌طلبی و تمکین جنسی از مهم‌ترین عناصر وفاداری به‌شمار می‌آیند؛ وقتی زن و شوهری که در یک رابطه دوطرفه باهم قرار می‌گیرند و تمایل خود را مبنی بر تعهدی طولانی مدت در تمامی ارکان و کارکردهای اصلی - خصوصاً تنظیم روابط جنسی - ابراز می‌کنند، موظف هستند به تعهد خود پایبند باشند و هرگونه تخطی از این پیمان، موجب رخ دادن فعل خیانت می‌شود. (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰: ۵۴ - ۵۲) در نتیجه در اسلام هر گونه ارتباط با غیرهمسر توسط زن یا مرد، وفاداری را نقض و استحکام خانواده را به خطر می‌اندازد.

البته چند همسری - همانطور که گذشت - نیز به مصلحت خانواده و حفظ کانون آن در کل جامعه اسلامی و جلوگیری از رواج فحشاء در جامعه است ولی وفاداری با معنای «التزام و پایداری به پیمان زناشویی و خیانت نکردن به همبستگی عاطفی و جنسی» (کج‌باف، ۱۳۹۴: ۱۴) در تک‌همسری مجال بیشتری برای بروز دارد، اما با توجه به مصالح کلی جامعه و لزوم عفت و تقوا در مردان، نباید ابزاری برای تنوع‌طلبی و هوسرانی باشد.

- **حکمت و فلسفه وفاداری:** حکمت وفاداری در تمدن یونان صرفاً انگیزه دیگر دوستی و داشتن تعهد درونی نسبت به همسر (تمدن کورت) یا خودگرایی یا به‌صورت اجباری بوده است؛ در حالی که در قرآن وفای به عهد هم ردیف تقوا شمرده شده (آل عمران / ۷۶)؛ تقوایی که بهترین زاد و توشه انسان در قیامت و سبب ورود به بهشت و معیار شخصیت و مقام انسان در پیشگاه خداست. این تعبیر نشان می‌دهد که وفای به عهد یکی از شاخصه‌های مهم تقواست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲ / ۲۵۰) در نتیجه در اسلام زن و مرد به جهت حفظ عفت و حیای فردی و اجتماعی، پرورش نسل سالم و پاک و حفظ آرامش در خانواده (الهی و ملکوتی‌فر، ۱۳۸۹: ۲۵ / ۱۰۵) و در نهایت برای کمال‌خواهی و قرب به خداوند، خود را ملزم به رعایت تعهد زناشویی و وفاداری می‌کنند که البته با این نیت،

نوع دوستی و احترام به حقوق همسر نیز تأمین می‌شود و زمینه استحکام خانواده را فراهم می‌کند.

- نسبی یا مطلق بودن وفاداری: در تمدن‌ها به این دلیل وفاداری ارزش بود که وفاداری بیشترین خیر را برای جامعه، یا از طریق جامعه برای شخص، به ارمغان می‌آورد. چنان‌که اگر در مواردی نقض پیمان و خیانت موجب بیشترین سود می‌شد، خیانت و بی‌وفایی خوب بوده و باید به آن مبادرت می‌شد و مفهوم متقابل آن وفاداری نامطلوب تلقی شده و باید از آن اجتناب ورزیده می‌شد. عدم حسن و قبح خود افعال به نحو مستقل و لحاظ غایات نسبی و موقتی، عدم تبیین این غایات در یک نظام هستی‌شناسانه که تصویر دقیقی از حیات آدمی ارائه کند، مستلزم نسبیت در ارزش‌هاست. درحالی‌که در نظام اخلاقی اسلام خداوند به جهت رسیدن به کمال با صراحت و اطلاق، وفاداری به کلیه عهدوپیمان‌ها را خواسته است.

- علت خیانت و بی‌وفایی: در یونان باستان بی‌وفایی مردان عواملی دارد: از جمله غیراخلاقی بودن خدایان، پست و شرور دانستن زن و قابل اغماض دانستن خیانت مردان طبق قانون یونان موجب شده که مردان خود را ملزم به رعایت اصل وفاداری ندانند. درحالی‌که این عوامل سست‌کننده وفاداری در قرآن وجود ندارد چراکه:

اولاً: خداوند حکیم است و موجود حکیم کارهایش در نهایت اتقان و استواری و کمال است. در آیه هفتم سوره سجده آمده است «همان که خلقت همه چیز را نیکو کرده است». علاوه بر آن خداوند حکیم فعل قبیح و زشت انجام نمی‌دهد و ذات او برتر از آن است که کار زشت و قبیح انجام دهد. (سبحانی التبریزی، ۱۳۸۴: ۲۲۷) زیرا خداوند کامل مطلق است و از همه نقص‌ها مبرا است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۳۶) در این باره قرآن می‌فرماید: «آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده‌ایم». (مؤمنون / ۱۱۵)

ثانیاً: در قرآن زن یکی از دو عنصری است که از آن دو، انسان‌ها پدیدار گشته‌اند و زن و شوهر مکمل یکدیگرند و برای یکدیگر آفریده شده‌اند. «ایشان پوشش شما و شما پوششی هستید برای آنان» (بقره / ۱۸۷) پس در تمام آنچه اسلام آن را حق می‌داند برابرنند. نگاه اسلام به زن و مرد مبتنی بر انسانیت انسان است. (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۰)

ثالثاً: قرآن در جریان اخراج آدم از بهشت، نه حوا را به عنوان مسئول اصلی معرفی می‌کند و نه او را از حساب خارج می‌کند. قرآن آنجا که وسوسه شیطانی را بیان می‌کند ضمیرها را به شکل تشبیه می‌آورد و زن را عنصر وسوسه و گناه نمی‌داند. «پس با همین فریب سقوطشان داد و چون از آن درخت خوردند عورت‌هایشان در نظرشان نمودار شد» (اعراف / ۲۲) و تفاوت زن و مرد در اختلاف

استعدادهای در پذیرش و احراز مسئولیت‌هاست، نه در برتری و فضیلت. رابعاً: در اسلام هم زن و هم مرد خائن مجازات می‌شود. «باید شما مؤمنان هر یک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید» (نور / ۱۱۰) چراکه هر یک مسئولیت حفظ و حراست از کانون خانواده را دارند.

نتیجه

به نظر می‌رسد بسیاری از مواردی که در تمدن یونان به‌ظاهر وفاداری نامیده شدند، طبق مبانی اخلاق اسلامی از مصادیق وفاداری محسوب نمی‌شوند؛ وفاداری در قرآن ناشی از فضیلت و فاء، انتخابی آگاهانه توسط زن و مرد و با رعایت مطلق عفت و قطع روابط جسمی و روحی با فردی جز همسر و با نیت کمال خواهی و قرب به خداوند است؛ درحالی‌که وفاداری در یونان چنین نیست و به همین دلیل باعث تداوم خانواده و نه استحکام آن شده است حال آنکه وفاداری در اسلام زمینه مناسبی برای استحکام خانواده است و با برخورداری از پیش‌توانه‌های دینی و ایمانی ضمانت اجرایی مستحکم و درونی می‌یابد. در چنین رویکردی پیوند زناشویی نه تنها ابزاری برای رفع نیازهای غریزی با نگاهی خودگرایانه و سودمحور نیست بلکه پیمانی مقدس و الهی است که در آن زن و مرد با همه شؤونات انسانی خود به رسمیت شمرده شده‌اند و ابراز محبت و خدمت در فضای خانواده را راهی برای سلوک و نزدیک شدن به خداوند می‌دانند و این همان چیزی است که تمدن‌های گذشته از جمله یونان از فهم و ادراک و به کار بستن آن محروم بودند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم، با ترجمه علامه طباطبایی.

۱. آدلر، فیلیپ. جی، ۱۳۸۳، *تمدن‌های عالم*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر.
۲. اسلامی پناه، هادی، ۱۳۸۴، «ازدواج پژوهی در آیات الهی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۷.
۳. الهی، محمدعلی و ولی‌الله ملکوتی‌فر، ۱۳۸۹، «بررسی تطبیقی ازدواج از منظر دین اسلام و مسیحیت»، *بانوان شیعه*، ش ۲۵.
۴. آل کاشف الغطاء، محمدحسین، ۱۳۴۶، *این است آئین ما (ترجمه کتاب اصل الشیعه و اصول‌ها)*، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، نسخه الکترونیکی.
۵. بحرانی، یوسف، ۱۹۸۵ م، *الحقایق الناضره فی احکام العترة الطاهره*، بی‌جا، مؤسسه النشر الاسلامی.

۶. بستان، حسین، ۱۳۸۹، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بخشی، آیناز و رمضان مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۶، «تحکیم خانواده با تأکید بر مبانی انسان‌شناختی فلسفی»، *الاهیات قرآنی*، ش ۸، بهار و تابستان ۹۶.
۸. حسن‌زاده، صالح، ۱۳۹۲، «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، دوره ۴، ش ۱۵.
۹. حسینی، اکرم، ۱۳۸۳، «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»، *کتاب زنان*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال هفتم، ش ۲۶.
۱۰. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۹۱، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۶.
۱۱. دورانت، ویل، ۱۳۸۷، *تاریخ تمدن*، ۱۱ جلدی، مترجمان احمد بطحائی و همکاران، علمی فرهنگی.
۱۲. رضایی، حسین و فرج‌الله میرعرب، ۱۳۹۸، «بررسی شبهات دکتر سها درباره تعدد زوجات در قرآن کریم»، *مطالعات علوم قرآن*، ش ۱.
۱۳. ساطع، نفیسه، ۱۳۹۴، «تبیین تطبیقی وفاداری در نظام اخلاقی اسلام و اخلاق غیردینی»، *پژوهش‌های اخلاقی*.
۱۴. سبحانی التبریزی، جعفر، ۱۳۸۴ / ۱۴۲۶ ق، *الاهیات علی الهدی الکتاب و السنه و العقل*، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۱۵. سلطان محمدی، فاطمه، ۱۳۹۱، «بازخوانی اصول و مبانی لازم در تحکیم بنیان خانواده با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی»، *دبیرخانه اندیشه‌های راهبردی*، *کتاب اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده*، پیام عدالت.
۱۶. شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۹۱، *نثر طوبی یا دائره‌المعارف لغت قرآن مجید*، تحقیق و پژوهش محمدرضا غیائی کرمانی، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۱۷. صالح‌زاده، حسین، ۱۳۹۲، «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، دوره ۴، ش ۱۵.
۱۸. صانع‌پور، مریم، ۱۳۹۳، «مردسالاری اسطوره‌های یونان باستان و تأثیر آن در عصر روشنگری اروپا»، *پژوهش‌نامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۲۱. طوسی، محمد نصرالدین، ۱۳۸۷، *اخلاق ناصری*، تحقیق مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی.
۲۲. فتحعلی خانی، محمد، ۱۳۷۷، *فلسفه اخلاق*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۳. فرانکنا، ویلیام، ۱۳۷۶، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، طه.
۲۴. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۲۳ ق، *الحقایق*، قم، دارالکتب الاسلامی.
۲۵. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۷ ق، *المحجج البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۶. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۵۴، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. کاشفی، محمدرضا، ۱۳۸۴، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. کجیاف، محمدباقر، ۱۳۹۴: «نقش وفاداری همسران در اعتمادآفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده»، *پژوهش نامه اخلاق*، ش ۲۹.
۳۰. کریپ، راجر، «اخلاق و فرا اخلاق»، *مجله نقد و نظر*، ترجمه بهروز جندقی، سال پنجم، ش ۳ و ۴.
۳۱. کوئن، بروس، ۱۳۸۵، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توتیا.
۳۲. لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۷۲، *گوهر مراد*، تهران، سازمان چاپ انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. لوکاس، هنری، ۱۳۸۲، *تاریخ تمدن از کهن ترین روزگار تا سده ما*، ترجمه عبدالحسین آذرننگ، تهران، سخن.
۳۴. مجله حورا، ۱۳۸۴، *زنان فیلسوف در یونان و روم باستان*، ش ۱۸، ص ۷۸.
۳۵. محمدی، مسلم، ۱۳۸۹، *مکتب‌های نسبی‌گرایی اخلاقی از یونان باستان تا دوران معاصر*، قم، بوستان کتاب.
۳۶. مسکویه، احمد، ۱۳۷۱، *تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق*، قم، بیدار.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تألیف گروهی از نویسندگان، زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی، تهران، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، مدرسه برهان، انتشارات مدرسه، چ ۲.

۳۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار*، تهران صدرا.

۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۴، *اخلاق در قرآن*، ۳ جلدی، قم، مدرسه علمی بن ابن ابی طالب علیه السلام.

۴۲. نراقی، ملا مهدی، ۱۳۷۹، *جامع السعادات*، ۲ جلدی، قم، اسماعیلیان.

۴۳. ناس، جان بی، ۱۳۷۳، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

۴۴. نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱ م، *جواهر الکلام*، بیروت، دارالاحیاء التراث الاسلامی.

۴۵. نقیبی، ابوالقاسم و زری زمانی، ۱۳۹۰، «نقش وفاداری در مقاله اعتمادآفرینی و راهبردهای

توسعه آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۲.

۴۶. هدایت‌نیا، فرج‌الله، ۱۳۹۶، «چندهمسری در قرآن، چالش‌ها و رویکردها»، *قرآن فقه و حقوق اسلامی*.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی